

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ملاحظه فرمودید جواب‌های مرحوم آخوند (قدس سره) از دلیل آخر اخباری‌ها مورد مناقشه واقع شد و با آنها ما نتوانستیم بپذیریم که اگر کسی ادعای علم اجمالی به تحریف قرآن دارد، علم اجمالی او با خارج کردن غیر آیات الاحکام از دائره علم اجمالی و از محل ابتلاء منحل شود. گفتیم گرچه علم اجمالی اثر خودش را از دست می‌دهد، اما بحث منجزیت علم اجمالی یک جهتی است و بحث حجیت ظواهر امر دیگری است. هم‌چنین عرض کردیم بیان مرحوم اصفهانی نیز بیان درستی نیست و در نتیجه، ما نتوانستیم تسلیم جواب مرحوم آخوند شویم و آن را بپذیریم؛ هرچند بزرگانی مثل مرحوم محقق بروجردی جواب مرحوم آخوند را کاملاً پذیرفته‌اند.

پاسخ مرحوم آقای خوئی از دلیل ششم عدم حجیت ظواهر قرآن

اینجا برخی از بزرگان مثل امام (رض) در بعضی از کتب اصولی‌شان اصلاً متعرض این دلیل و جواب آن نشده‌اند و حتی مثل مرحوم نائینی در **فوائد الاصول** و مرحوم آقای خوئی قدس سره در کتاب **مصباح الاصول** نیز متعرض این دلیل و جواب آن نشده‌اند؛ بله، مرحوم آقای خوئی در **البیان** که کتابی است یک جلدی و در آن بحث‌های مقدماتی تفسیر را عنوان فرموده‌اند و مقداری نیز از سوره مبارکه حمد را مطرح کرده‌اند، این دلیل را در آنجا مطرح کرده و برای آن دو جواب داده‌اند. ایشان در صفحه 273 **البیان** بعد از اینکه دلیل علم اجمالی به تحریف قرآن را ذکر می‌کنند. در **جواب اول** می‌فرمایند: **و الجواب منع وقوع التحریف في القرآن**، باید از اساس این علم اجمالی را منع کنیم و بگوییم چنین علمی نیست؛ گویا از فرمایش‌شان استفاده می‌شود که اگر کسی علم اجمالی به تحریف در قرآن را ادعا کرد، این علم اجمالی مانع از حجیت ظواهر می‌شود. سپس در ادامه می‌فرماید: **و قد ذكرنا أن روايات الأئمة بالرجوع إلى القرآن بأنفسها شاهدة على عدم التحريف** روایاتی که امر به رجوع به قرآن کریم و عمل و اخذ به آن می‌کند، خودش شاهد عدم تحریف است.

بنابراین، ایشان در جواب اول می‌فرمایند ما تحریف در قرآن را قبول نداریم و شاهد آن این است که ائمه به رجوع به قرآن امر کرده‌اند. **جواب دوم** این که می‌فرمایند: **و إذا تنزلنا عن ذلك**، اگر تنزل کنیم و بگوییم تحریف واقع شده است **فإن مقتضي تلك الروايات هو وجوب العمل بالقرآن وإن فرض وقوع التحريف فيه** ما اگر بپذیریم در قرآن تحریف نیز واقع شده، مقتضای این روایات که ما به قرآن رجوع کنیم، این است که عمل به قرآن بر ما واجب باشد، هر چند در آن تحریف هم واقع شده باشد. لذا، در جواب دوم می‌فرمایند: هر چند ما علم اجمالی یا اصل تحریف در قرآن را بپذیریم، اما ائمه (ع) فرمودند به قرآن عمل کنید و اینجا امر معصوم (ع) به عنوان حجت اقوی وجود دارد که اگر این امر نبود، علم اجمالی مانع حجیت ظواهر قرآن می‌شد.

بررسی سخن مرحوم محقق خوئی

اینجا نکته‌ای وجود دارد که این نکته چه بسا روایاتی که تاکنون به عنوان شاهد می‌گرفتیم را از شاهد بودن بر عدم تحریف خارج کرده و بیان دوم ایشان را مورد اشکال قرار دهد. آن نکته این است که اگر کسی ادعا کند تحریف قرآن بعد از زمان پیامبر(ص) صورت گرفته است، بیان ایشان می‌تواند صحیح باشد که اولاً تحریفی نشده و اگر هم شده، ائمه(ع) فرموده‌اند به قرآن رجوع کنید؛ اما اگر کسی ادعا کند بعد از زمان ائمه معصومین(ع) تحریف ممکن است صورت گرفته باشد، در این صورت، روایاتی که ائمه(ع) در آنها امر به رجوع قرآن می‌کنند، چون مراد قرآن موجود در زمان خودشان بوده، دیگر این قرآن بعد از زمان آنها، ظواهرش حجت ندارد. از زمان امام عسکری(ع) تا حالا 1200 سال می‌گذرد، در این هزار و دویست سال چه؟ بعداً در ادله عدم تحریف خواهیم گفت که افراد بسیاری در زمان رسول خدا(ص) حافظ قرآن بودند و این به گونه‌ای بوده که عادتاً محال بوده یک کلمه از قرآن کم و یا زیاد شود؛ بعداً اگر چنین دلیلی آوریم و روشن کردیم که در زمان خود پیامبر(ص) تحریفی نبوده، بعد از پیامبر هم نبوده، تا این زمان هم نبوده، الی یوم القيامة هم نمی‌شود در این قرآن تحریف واقع شود، این دلیل ششم کنار می‌رود؛ اما ما فعلاً کاری به این ادله نداریم، آیا می‌توانیم روایاتی که ائمه(ع) در آنها به ما امر به رجوع قرآن می‌کنند را اولاً به عنوان شاهد بر عدم وقوع تحریف بیاوریم؛ و در درجه دوم، بگوییم اگر وقوع تحریف نیز فرض شود، باز هم فرمودند به قرآن محرّف عمل کنیم؟

می‌گوییم اشکال این روایات آن است که این روایات قرآن موجود در زمان خود ائمه(ع) را درست می‌کند، اما آیا بعد از زمان ائمه تا زماننا هذا نیز تحریفی صورت نگرفته است؟ این نکته را در جایی ندیدم که مطرح شده باشد، یکی از مطالبی که قرآن نسبت به یهود و نصاری مطرح می‌کرد، این بود که فرمود شما کتاب خودتان را مورد تحریف قرار دادید، آیا آنها توطئه کردند که همین نسبت را در مورد خود قرآن مطرح کنند؟ در زمان پیامبر که نمی‌شد این کار را انجام دهند، پیامبر حضور داشت و خصوصیات و جزئیات هر آیه مشخص و معین بود، بعد از زمان پیامبر اصلاً انسان دست یهود را می‌بیند که بر این ادعا در مورد قرآن کریم صورت گرفته است. و آنها یکی از راه‌های مقابله با دین اسلام را همین مطلب قرار دادند؛ و بعداً هم خواهیم گفت روایاتی مربوط به وقوع تحریف به سادگی در کتاب‌های شیعه و سنی وارد نشده است که ان شاء الله این نکته را عرض خواهیم کرد.

اما بالاخره طبق قول مدّعی تحریف که می‌گوید این کتاب در طول زمان تحریف شده است؛ در قدیم مثل زمان ما نبوده که چاپ وجود داشته باشد و به راحتی کم شدن مطالب معلوم شود؛ که البته خداوند دشمنان اسلام را از حمق قرار داده است؛ در سال گذشته قرآنی را در کویت منتشر کردند به نام **فرقان الحق** که در آن آیات جهاد را به طور کل حذف کردند و آیاتی که با یهود برخورد دارد و یهود را به عنوان دشمن دین قرار می‌دهد، تمام اینها را حذف کردند، پیداست که این قرآن، قرآن مسلمانان نیست؛ این قرآن فعلی دیگر قابل تحریف نیست. اما در زمان قدیم، پیامبر می‌فرموده و دیگران می‌نوشتند؛ دیگری نیز می‌آمده از روی نوشته او نسخه برداری می‌کرده و آن را می‌نوشتند، و در آن زمان امکان کم شدن بود. حالا عرض من این است که در جواب مرحوم آقای خوئی گفته شود این که ائمه فرمودند به قرآن محرّف عمل کنید، اگر منظور محرّف تا زمان خودشان باشد، درست است؛ اما تحریف بعد چطور جواب داده می‌شود؟ و این سؤال با این مقدار جواب کافی نیست.

پاسخ دیگری از دلیل ششم

جواب دیگری ممکن است در اینجا داده شود و آن این که بگوییم: اگر در قرآن زمان ائمه معصومین(ع) حتی تحریف کمی صورت گرفته بود، باید ائمه(ع) بیان می‌کردند. این جواب، به نظر من، جواب دقیق‌تری است؛ کسی که می‌گوید علم اجمالی به تحریف داریم، می‌گوییم ائمه طاهرین(ع) در يك مورد، در يك کلمه در قرآن مسئله تحریف را مطرح نکردند؛ بله، در بعضی از

روایات است که **أما الكتاب فحرّفوه و أما السنة فقتلوه**، اما این مراد تحریف معنوی است که بعداً در انواع تحریف بیان می‌کنیم؛ تحریف معنوی در قرآن واقع شده است و همین تفسیر به رأی است که هم شیعه قبول دارد و هم اهل سنت. در این جواب می‌گوییم اگر حتي يك (واو) در قرآن تحریف شده باشد، ائمه (ع) باید بیان می‌کردند؛ از این که مسئله به این مهمی را بیان نکردند، معلوم می‌شود اصلاً در زمان خود ائمه (ع) هم قرآن مصون از تحریف بوده است و إلی يوم القيامة نیز مصون از تحریف است. نتیجه عرض ما این است که اگر کسی گفت علم اجمالی داریم، دیگر نمی‌توان کاری کرد و ظواهر قرآن از اعتبار ساقط می‌شود؛ منتها با این بیانی که عرض شد، دیگر تحریف در قرآن راه ندارد. تا اینجا ما دلیل ششم را بیان کرده و پاسخش را نیز گفتیم؛ و با این مقدار بحث تحریف از حیث اصولی تمام می‌شود؛ اما چون بحث تحریف، بحث مهمی است و مخصوصاً در زمان ما هم یکی از چیزهایی که شیعه را به وسیله آن مورد اتهام قرار می‌دهند، همین مسئله تحریف قرآن است؛ چند جلسه‌ای را اختصاص می‌دهیم که يك نکات مهمی را در باب تحریف بیان کنیم.

مرحوم آقای خوئی قدس سره در کتاب **البيان** حدود 50 تا 60 صفحه راجع به عدم تحریف قرآن بحث کرده‌اند؛ والد ما (رض) نیز که تصمیم داشتند يك دوره تفسیر قرآن بنویسند، همانند مشی مرحوم آقای خوئی مقدمات تفسیر را نوشته بودند که کتاب آن با نام **مدخل التفسير** چاپ شده است و یکی از مباحث مهم ایشان بحث عدم تحریف قرآن است. که انشاءالله خلاصه‌ای از این دو کتاب را به اضافه بعضی از نکاتی که خودمان داریم، انشاءالله بیان خواهیم کرد تا آقایان نسبت به بحث تحریف مقداری استحضار داشته باشند. وصلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين.